



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین. والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم المصطفى محمد.

و على اله الأَطْيَبِينَ الأَطْهَرِينَ الهداة المهديين سيّما بقيّة الله في الأرضين.

خداوند متعال را شاکرم که این توفیق را داد که در خدمت شما برادران و خواهران مؤمن و باوفا و انقلابی در شهر ابرکوه باشیم - در این شهر باستانی و بسیار کهن - اگرچه شهر، شهر قدیمی ای است، اما فکر مردم این شهر، فکر نو و جوان است؛ نشانه‌ی آن هم همین است که در همه‌ی دلها فروغ تفکر اصیل اسلامی و انگیزه‌های خدائی و الهی در جهت نظام جمهوری اسلامی زنده است. هر ملتی که مردم آن در دل خود دارای انگیزه‌ی نشاط‌آور و پرتحرکی باشند، آن ملت زنده و جوانند و ملت ما به توفیق الهی و به برکت انقلاب اسلامی از این موهبت برخوردار است. علاوه بر این اکثر جمعیت کشور و در خود ابرکوه اکثر جمعیت ابرکوه - طبق آمارها - جوان هستند. یک شهر جوان و یک جامعه‌ی جوان و یک کشور جوان میتواند به آینده امیدوار باشد. همت جوانی، آینده را خواهد ساخت. نیروی جوانی جامعه را به پیش خواهد برد.

امام جمعه‌ی محترم شهرتان درباره‌ی مشکل آب ابرکوه مطلبی را به طور کوتاه اشاره کردند؛ بنده هم در گزارشهای که قبل از سفر درباره‌ی همه‌ی استان و بخصوص در مورد این شهر - که اختصاصاً مایل بودم به این شهر سفر کنم - مطالعه کردم، همین مسئله‌ی آب در آن گزارشها هم تکرار شده است. این شهر و این منطقه‌ی از استان یزد، تکیه اش بر روی کشاورزی است و کشاورزی احتیاج دارد به آب؛ و این استان، استان کم‌آبی است؛ از جمله این شهرستان هم دچار همین کم‌آبی هستند. شك نداریم که با همت دولت و با کمک مردم و مسئولان و مأموران مختلف این مشکل هم مثل همه‌ی مشکلات دیگر حل خواهد شد. آنچه مهم است این است که ملت چیزی را بخواهد و مسئولین به عنوان خدمتگزاران ملت کمر همت ببندند و تصمیم بر اجرای نیازهای مردم داشته باشند.

آنچه ملت ما در طول دهها سال قبل از انقلاب، بلکه پیش از آن به آن دچار بود، نبودن این دو عامل بود: یکی نبودن احساس مسئولیت در میان دولتمردان، که دولتمردان در قبال آحاد مردم، هیچ احساس مسئولیتی نداشتند؛ رؤسای کشور، کشور را ملك خودشان میدانستند و برای استفاده‌ی از این ملك به دنبال این بودند که ببینند کجا چه کاری



برای آنها فایده ی بیشتری دارد ؛ آنچه برایشان مطرح بود، فایده ی مردم نبود. این عرف «دورافتاده» و «نزدیک»، از آنجا به وجود آمد. اینکه فلان شهر دورافتاده است. دورافتاده یعنی چه؟ معنایش این بود که از مرکز کشور، از تهران دور است. این کافی بود برای محرومیت ؛ چون چشمشان همین مناطق دور خود را میدید و دلشان به دنبال کارها و مراکز و مناطقی بود که برای آنها منشأ سود و نفعی باشد، نه برای مردم. انقلاب این عرف را عوض کرد. انقلاب دور و نزدیک را از منطق دولتیان و مسئولان کشور زدود ؛ دور و نزدیک ندارد. لذا شما می بینید مسئولین کشور، هیأت دولت، رئیس جمهور به سرتاسر کشور مسافرت میکنند. این معنایش این است که نگاه و عواطف و همت مسئولین باید میان همه ی شهرهای کشور تقسیم شود. اینجور نباشد که یک شهری، یک منطقه ای که دوردست است، از شعاع همت و تصمیم مسئولین دور بماند ؛ نه، دور و نزدیک ندارد. امروز در این کشور شهرهائی و مناطق دوردست و کوچکی موفق میشوند که مسئولان کشور را، یعنی رئیس جمهور را، دولت را، وزرا را از نزدیک ببینند، به آنها نامه بدهند یا حرف بزنند و از زبان آنها و حنجره ی آنها مستقیماً سخن بشنوند که در روزگارهای گذشته در طول تاریخ، امید این را نداشتند که حتی یک مدیر درجه ی سه به آنها سرکشی کند. پس این یک عامل، یعنی عامل احساس مسئولیت از سوی مسئولان کشور و مدیران ارشد کشور امروز وجود دارد.

عامل دوم، همت و خودباوری مردم است. آن مردمی، آن ملتی، جمعیت آن شهری که برای خود ارزش و اهمیتی قائل نباشد، همواره محکوم به عقب ماندگی است از همه ی مسابقات انسانی و میان جوامع بشری. در دوران تسلط استعمار بر کشورهای این منطقه و بر کشور ما، یکی از خطرناکترین تبلیغاتی که روی ملت ما انجام دادند همین بود که به ملت ما، به مرد و زن ما بباوراند که شما نسبت به ملت‌های غربی، ملت‌های اروپائی عقب و درجه ی دو هستید. همین درجه ی دو بودن هم باز در میان مناطق گوناگون کشور یکسان نبود ؛ بعضی ها عزیزکرده تر میدانستند خودشان را و توقعاتشان بیشتر بود، بعضی توقعاتشان کمتر. انقلاب اسلامی آمد مثل طوفانی این هوای آلوده و کثیف را از کشور زائل کرد.

امروز ملت ما با تکیه ی بر تاریخ مشعشع خود، با تکیه بر استعدادهای درونی خود و با تکیه بر اسلام و ایمان - که امروز سخن نو برای بشریت دارد - دیگر خودش را یک ملت عقب مانده نمیداند، خود را باور دارد. این همان چیزی است که همت ملی را برمی انگیزد، مردم را برای رسیدن به قله های پیشرفت آماده میکند و آنها را تشویق میکند. عرض من به شما برادران و خواهران، بخصوص به شما جوانان این است که نگذارید این احساس شیرین امیدواری به آینده در شما زائل شود.

این کشور به ناحق عقب مانده نگه داشته شد. ما امروز پیشرفتهای زیادی کردیم، اما این پیشرفتها نسبت به آنچه که شأن ملت ایران است و جایگاه ملت ایران است، کم است. ملت ایران یک روزی در قله ی علم و اقتدار مادی و معنوی قرار داشته است به برکت اسلام. ما امروز اسلام را بازیابی کرده ایم ؛ آغوشمان را به روی اسلام باز کردیم، اسلام را با نگاه متناسب با زمانه و با پیشرفت زمانه به دنیا عرضه کردیم. امروز تفکر سیاسی اسلامی، تفکر اجتماعی اسلام، تفکر گرایش معنوی اسلام، تفکر اسلام در مورد روابط داخلی و درونی افراد جامعه با هم، میتواند در دنیا مثل یک دستورالعمل، مثل یک سرمشق مطرح شود ؛ نه اینکه این حرف را ما بزنیم یا من اینجا بگویم ؛ این سخنی است



که امروز اندیشمندان باانصاف دنیا همین حرف را میزنند. این را ملت ایران آسان هم به دست نیاورده. شما شهید دادید؛ ابرکوه شهدای عزیزی دارد، فداکارانی دارد، پدر مادرهایی دارد که فرزندان خودشان را فرستادند برای دفاع از این انقلاب در دوران جوشش انقلاب؛ و برای دفاع از مرزهای کشور در دوران دفاع مقدس. اینها بوده است که توانسته این انقلاب را زنده نگه دارد، این پرچم را بلند نگه دارد و امروز ملت ایران را عزیز کند.

اگر ملاحظه میکنید که ملت ایران امروز در مجامع جهانی و در محیط بین المللی يك چهره ی پرافتخار و سربلند است، همه ی ملت ایران از همه ی مناطق در ایجاد این تصویر نیکو و زیبا از ملت ایران سهیمند؛ همه تلاش کردید، همه زحمت کشیدید. پس این دو عامل باید باشد: هم مسئولین باید این احساس مسئولیت را نسبت به نیازهای مردم در خودشان روزبه روز تقویت کنند، که من میتوانم به شما عرض کنم خوشبختانه مسئولین دولتی و وزرای ما و رئیس جمهور ما و مدیران ارشد کشور این احساس مسئولیت را دارند. بینی و بین الله، انسان نگاه که میکند، می بیند در این احساس مسئولیت حقاً و انصافاً چیزی کم ندارند؛ کار هم زیاد میکنند، تلاش هم انصافاً تلاش خستگی ناپذیری است. يك خدمت بزرگشان هم علاوه ی بر خدمات مادی و عمرانی و رسیدگی به امور مردم، همین است که شعارهای انقلاب را، ارزشهای انقلاب را سر دست میگیرند، به آنها افتخار میکنند؛ این خیلی مهم است. بودند و هستند در میان افراد ما در کشور، کسانی که قدر این شعارها را ندانستند. باید به آنها افتخار میکردند، اما افتخار نکردند.

خوشبختانه مسئولین ارشد کشور همیشه سربلند و مفتخر به این شعارهای انقلاب و ارزشهای انقلاب بوده اند. پس ملت این رکن اولی را باید مطمئن باشد که هست و آن عبارت است از اهتمام مسئولین کشور و مدیران کشور برای بهبود وضع در سراسر کشور.

حالا شما يك مسئله ی آب را، یا مسئله ی کشاورزی را، یا مسئله ی راه را، یا مسئله ی اشتغال را مطرح میکنید. در سرتاسر کشور مسائل زیادی هست که مسئولین کشور بایستی اینها را رسیدگی کنند، انجام بدهند، برنامه ریزی کنند، محاسبه کنند، امکانات کشور را بسنجند. خوشبختانه امکانات کشور هم امکانات کمی نیست، نیروی کارآمد هم در کشور کم نیست، باید برنامه ریزی کنند، پیش برویم. تا امروز هم پیش رفته ایم و آن مقداری که ملت ایران از لحاظ سازندگی کشور در این بیست و هفت سال پس از انقلاب پیش رفته است، چندین برابر پنجاه سال قبل از دوران انقلاب است که به وسیله ی آن حکمرانان طاغوتی و ستمگار، ستمگر و بی اعتنای به حقوق مردم ممکن بود انجام بگیرد. آنها نسبت به نیازهای مردم هیچ احساس مسئولیت نمیکردند. هر کاری هم میکردند، به خاطر يك ضرورتی بود یا يك ظاهرسازی ای بود یا يك اجباری بود یا مطالبات خطرناکی از سوی مردم بود؛ ناچار بودند والا نمیکردند. به استان یزد که مردم نجیبی دارد، کمتر رسیدند، تا به بعضی از جاهای دیگر که میترسیدند عکس العملی در آنجاها انجام بگیرد. اینجوری بودند آنها؛ احساس مسئولیت نبود.



امروز بحمدالله این احساس مسئولیت در حد اعلاء وجود دارد. مردم میتوانند به این مطمئن و خاطرجمع باشند که مسئولین برای خودشان چیزی نمیخواهند. تلاششان و کارشان و زحمت بی وقفه شان برای مردم است.

آن رکن دوم را هم بنده دائماً توصیه میکنم: جوانان ما از همت بلند هیچ چیز کم نگذارند؛ همت را باید بلند کرد؛ آن که مشغول درس است، آن که مشغول کار صنعت است، آن که در حال کشاورزی است، آن که به خدمات گوناگون اشتغال دارد، همه احساس کنند که در قبال پیشرفت این کشور یک وظیفه و سهمی هم متوجه به آنهاست و باید این سهم را، این وظیفه را به قدر خود و به سهم خود انجام دهند. خوشبختانه ملت ما این احساس را هم دارند. این زنده بودن، این بانشاط بودن، اولین اثری که میگذارد این است که طراحان توطئه های جهانی را از اینکه بتوانند این ملت را شکست بدهند، مأیوس میکند. بهترین راه برای عقب نشاندن دشمن، اظهار آمادگی است.

آن ملتی که آمادگی خود را، حضور خود را، عزم راسخ خود را در همه ی میدانها به نمایش میگذارد، دشمن را از نفوذ در خود و غلبه ی بر خود مأیوس میکند. در مقابل افکار جهانی و نگاههای جهانی، ملت ایران در هیچ مسئله ای، باید اظهار ضعف و عقب نشینی نکند. اینی که در باب مسئله ی هسته ای شما می بینید مسئولین دولتی اصرار میورزند، به خاطر این است که اولاً این يك ضرورت است - من پریروز در یزد در جمع جوانها و دانشجویان این را تشریح کردم - این يك نیاز ملی است که اگر امروز شروع نکردیم، ده سال بعد، پانزده سال بعد، ضربه اش را ملت و کشور خواهند خورد. اگر امروز شروع کنیم، در آن زمانی که نیاز داریم، محصول دسترنج ملی خود را خواهیم گرفت. اگر امروز شروع نکردیم، اولاً این مسئله است و مسئله ی دوم این است که در يك چنین نیازی، هرگونه انفعال در مقابل دشمن، دشمن را تشجیع میکند به اینکه توقع بیشتری را مطرح کند، يك قدم جلو بیاید. این است که ملت ایران ایستاده اند و ایستادگی درست است و همانطور که مسئولین کشور، مسئولین دولتی بارها گفته اند و آحاد مردم در همه ی نقاط کشور تکرار کردند و تجاوب کردند، حقیقتاً حق مسلم ملت ایران است که بتواند بر این قدرت علمی و قدرت انرژی دست پیدا کند.

این يك مثال است فقط. همه ی خواسته های ملت ایران در این خلاصه نمیشود. ما راه طولانی ای در پیش داریم. همراه سازندگی کشور، همراه پیدا کردن جایگاه حقیقی خود در سطح ارتباطات میان کشورها و ارتباطات بین المللی و هم از لحاظ معنوی و اخلاقی کارهای زیادی است که باید انجام بدهیم. اینها تلاش مسئولین را میطلبد و همراهی و اهتمام ملت عزیز را. آنها تلاش خودشان را میکنند، ملت هم بحمدالله در همه ی شهرها که ما با مردم عزیزمان مواجه میشویم، همین احساس میکنیم آمادگی و نشاط را میکنیم. در اینجا هم که منطقه ی ابرکوه، منطقه ی کویری و یکی از مناطق نامدار و با نشان این کشور هست، انسان در بین مردم، در بین شما جوانان عزیز و آحاد مردم، همین احساس را مشاهده میکند.

در آینده ی نزدیک، باز مسئله ی انتخابات مطرح است. حضور مردم در انتخابات یکی از همان نمایشهای عزم راسخ و



قدرت و تصمیم ملت ایران است. همیشه سعی کرده اند انتخاباتهای ما را کم فروغ کنند تا مردم اطراف عرصه ی انتخابات را خالی بگذارند، به صندوقهای رأی اعتنائی نکنند. دشمن همیشه این را خواسته است و مردم عزیز ما، آن طوری که من نگاه میکنم به تاریخ مجلس شورای اسلامی و انتخاباتها، می بینم درست نقطه ی مقابل آنچه که دشمن میخواسته است، عمل کرده اند.

اجتماع مردم، توجه مردم، احساس مسئولیت مردم در هر انتخاباتی از انتخابات گذشته بهتر و بیشتر بوده است. این را تقریباً در همه ی انتخاباتهای ما میشود نمونه و نشانش را یافت. و امیدواریم در همین انتخابات آینده هم همینجور باشد. همه ی مردم از همه ی قشرها در این مسئولیت بزرگ شرکت کنند و در این میدان رقابت که یک عرصه ی رقابت مثبت است - رقابت انتخاباتی، جزو رقابتهای مثبت و دارای فایده و نفع است برای مردم؛ میدان رقابت انتخاباتی است - همانطور که من در یزد هم توصیه کردم، الان هم تکرار میکنم، از بداخلاقیهای انتخاباتی باید بشدت پرهیز کنند؛ بدگویی کردن، اهانت کردن، تهمت زدن، برای عزیز کردن خود و یا نامزد مورد نظر خود، دیگران را و رقبا را در چشم مردم خوار کردن، اینها راهها و روشهای صحیح و اسلامی نیست. رقابت باید باشد؛ رقابت مثبت و پرشور، اما با رعایت موازین اخلاقی.

امیدواریم که خداوند متعال در این انتخابات هم به ملت ایران این توفیق را عطا کند که بتوانند آن وظیفه ی بزرگ خود را انجام بدهند و امیدوارم خداوند متعال روزبه روز بر عزت ملت ایران بیفزاید و شما مردم عزیز را از موهبت خود و از تفضلات خود برخوردار کند.

من لازم است از حضور شما، از اجتماع شما، از احساسات گرم و صمیمانه ی شما تشکر کنم و این را هم به عنوان معذرت خواهی عرض کنم: ما تقریباً یک ساعت از آن وقتی که قرار بود برسیم به ابرکوه، دیرتر رسیدیم. علت هم این بود که در راه برف و مه بود، ناچار شدیم آهسته حرکت کنیم و این بود که دیر رسیدیم؛ والا در وقت لازم از یزد حرکت کردیم که در سر ساعت برسیم اینجا، منتها این گردنه های سر راه هم پریرف بود و هم اینکه مه آلود بود.

پروردگارا! تو را به عزت و کرمت سوگند میدهیم رحمت و فضل و لطف خود را بر این مردم نازل کن. پروردگارا! روزبه روز دنیا و آخرت این مردم را آبادتر از گذشته بفرما؛ شهدای عزیز این شهر و این منطقه را با اولیائت محشور بفرما. پروردگارا! روح مطهر امام عزیز را با انبیاء و اولیاء محشور کن.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته